

## زمینه‌شناسی سیاسی انقلاب جهانی مهدوی

رحیم کارگر\*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۶/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۵

### چکیده

انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، انقلابی فراگیر، گسترده و سرنوشت ساز است که همه بنیان‌های سیاسی، اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی بشر را دستخوش تغییر و تحول می‌سازد. مهم‌ترین انگاره در این باره «زمینه‌شناسی» آن است؛ یعنی، شناخت وظایف و مسؤلیت مردم و گروه‌ها، در جهت زمینه‌سازی و فراهم ساختن مقدمات و شرایط لازم آن. در پژوهش حاضر انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام و نقش زمینه‌سازان در آن از منظر روایی و سیاسی - فکری با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی ره، مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: زمینه‌شناسی سیاسی، انقلاب جهانی، حکومت جهانی حضرت مهدی.

### پیش درآمد

یکی از انگاره‌های بنیادین در «اندیشه مهدویت» علل و چگونگی شکل‌گیری و تحقق انقلاب فراگیر و عظیم مهدوی در «فرجامین زمان تاریخ» است. در واقع مهم‌ترین بحث در این آموزه، پژوهش درباره مقدمات، زمینه‌ها، بسترها، شرایط و عوامل تحقق و ایجاد نهضت باشکوه صالحان و یکتاپرستان و حق‌گرایان به رهبری حضرت مهدی علیه السلام است. این امر، در چارچوب «ظهور و فرج»، تبیین و تحلیل می‌شود.

\* . کارشناس ارشد علوم سیاسی.

قیام و انقلاب امام زمان علیه السلام، یک انقلاب فراگیر در سطح جهان است و محدود به منطقه یا کشور خاص و یا قومیت و ملیت خاصی نیست و انقلابی گسترده برای ریشه کن نمودن تمام ابعاد ظلم و جور در جهان است، از طرفی انقلاب آن حضرت، مثل قیام و نهضت همه پیامبران و صالحان، عمدتاً از طریق اسباب و مجاری طبیعی است. کاربرد معجزه در روند برنامه‌های اصلاحی ایشان به طور محدود بوده و به ندرت صورت می‌گیرد (ر.ک: کارگر، ۱۳۸۷: فصل پنجم). تمرکز نوشتار حاضر بر این سؤال خواهد بود که زمینه‌های سیاسی- اجتماعی شکل‌گیری انقلاب مهدوی چیست؟

### یک. چیستی مقدمات و زمینه سازی

بسیاری از امور و اقدامات، نیاز به یک سری مقدمات و زمینه‌ها دارند و بدون آنها، آن امور محقق نخواهند شد. این انگاره در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی (مثل انقلاب، نهضت و...) جایگاه ویژه‌ای دارد. «شرایط ظهور»، اموری است که تحقق قیام وابسته به وجود آنها است و تا آنها محقق نشوند، قیام و ظهوری نخواهد بود (کارگر، ۱۳۸۷: ص ۳۲). اصطلاحات و عبارات مختلف مطرح در این زمینه، هرچند به اعتباری دارای معانی جداگانه و خاص هستند؛ ولی در مجموع به «مقدمات و زمینه‌های» بایسته و مؤثری اشاره می‌کنند که به نوعی در انقلاب جهانی مهدوی نقش بارزی دارند. پس این نهضت دارای یک سری زمینه‌ها و بستری است که در فرهنگ مهدویت به آنها «شرایط ظهور» و در اصطلاح سیاسی «علل و عوامل» انقلاب گفته می‌شود. درباره ضرورت و بایستگی این شرایط برخی از صاحب نظران گفته‌اند:

باید شرایط پیش از ظهور جامه عمل به خود ببوشد و در همان دوره غیبت کبری (پیش از ظهور) محقق شود و به تدریج و هماهنگی به وجود آید تا تکمیل شده و ظهور محقق شود. هر وقت شرایط کامل شد، دیگر امکان تأخیر ظهور نیست؛ زیرا اگر شرایط محقق شود و ظهور واقع نگردد، لازمه‌اش تخلف معلول از علت تامه است (صدر، ۱۳۸۴: ص ۴۹۳ و ۴۹۴).

شرایط دارای ویژگی‌ها و ابعاد مختلفی است؛ از جمله:

۱. وابستگی ظهور به شرایط یک نحوه وابستگی واقعی است؛ یعنی، نبود بعضی از شرایط موجب عدم ظهور است تا جایی که اگر آنها موجود نشود، ظهور معقول نخواهد بود و نبود آنها، اصلاً کار ظهور و تحقق اهداف آن را - که گسترش عدالت جهانی باشد - مختل می‌سازد و خواه ناخواه برنامه‌ریزی کامل الهی، برای تحقق این منظور ناتمام می‌ماند.

۲. شرایط ظهور، به اعتبار برنامه‌ریزی طولانی الهی، با ظهور رابطه واقعی داشته و سبب پیدایش آن می‌باشند؛ چه ظرف وجود آنها را پیش از ظهور در نظر بگیریم و چه ظرف نتیجه دادن آنها را پس از ظهور.

۳. شرایط باید با یکدیگر مرتبط باشند و در آخر کار موجب ظهور شوند و به تدریج ایجاد شده و آنچه که وجود می‌یابد، استمرار داشته و از بین نرود. این گونه شرایط - که جزئی از برنامه کلی الهی هستند - بعد از آن که موجود شوند، دیگر امکان ندارد که از بین بروند.

۴. شرایط ظهور، در برنامه‌ریزی الهی دخیل می‌باشند و می‌بایست مورد توجه قرار گیرند؛ زیرا فرا رسیدن روز موعود متوقف بر آنها است؛ بلکه انسانیت از نخستین روز پیدایش تا روز ظهور، در یک مسیر واحد و در خط برنامه‌ریزی شده الهی برای موفقیت ظهور آماده می‌شده است.

بر این اساس شمار کثیری از نویسندگان، شرایط قیام و ظهور امام زمان علیه السلام را در چهار مؤلفه زیر می‌دانند:

۱. قانون و برنامه کامل و جامع؛

۲. رهبری مقتدر و توانمند؛

۳. یاران ایثارگر و مجریان توانا؛

۴. آمادگی عمومی و بالا رفتن سطح رشد و فهم مردم.

مسئله است انقلاب جهانی مهدوی، هم دارای رهبری آگاه و توانا است و هم

برنامه‌ای جامع و فراگیر برای اداره جهان دارد و هر دو نیز در حال حاضر موجود است؛ اما در مورد دو زمینه دیگر، نیاز به آگاهی و پژوهش است تا باورداران به آموزه مهدویت، بتوانند وظایف و مسئولیت‌های خود را در این زمینه دریابند. شهید صدر می‌نویسد:

انقلاب مهدی، از نظر اجرا، همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد... برای وجود چنین تحول بزرگی تنها وجود رهبر صالح کافی نیست؛ وگرنه در همان زمان پیامبر ﷺ این شرط وجود داشت... با اینکه خدای بزرگ توانایی دارد همه مشکلات و سختی‌ها را برای پیام رسانی‌های آسمانی، هموار و به وسیله اعجاز، فضای مناسب ایجاد کند، این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان می‌شود، در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشد (صدر، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸).

این دگرگونی‌ها و عوامل طبیعی و بیرونی، همان شرایط و بسترهایی است که انقلاب بزرگ و الهی امام مهدی عجل الله در آنها شکل می‌گیرد و به پیروزی می‌رسد. پس وقتی از شرایط، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری پدیده‌ای در آینده صحبت می‌کنیم، پیش از همه باید از نقش و جایگاه انسان و اثرگذاری و حرکت بخشی او بحث نماییم. در واقع مهم‌ترین بستر و شرط تحقق امور و رویدادها، انسان و اراده و خواست او است و سایر عوامل مادی و صوری نیز به نوعی از انسان سرچشمه می‌گیرد. تغییرات و تحولات آینده نیز در مدار مشیت الهی، بر اساس اراده‌ها و فعالیت‌های انسان‌ها صورت می‌گیرد و اگر خواهان تحقق پدیده‌ای هستیم، باید آنان را از جنبه‌های مختلف، بسیج و آماده سازیم و بر اندیشه و اراده آنها تأثیر بگذاریم.

## دو. زمینه‌سازی در نگاه قرآنی

### ۱-۲. پیوند حرکت بیرونی با حرکت درونی

از نگاه قرآنی میان حرکت محتوای درونی انسان و محتوای بیرونی یا روبنای او،

پیوندی بنیادین وجود دارد و لذا باید فرآیند تغییر در محتوای درونی، دوش به دوش فرآیند تغییر در محتوا و ساختار بیرونی حرکت کند. شهید صدر به این موضوع چنین اشاره کرده است:

بر اساس باور اسلام و قرآن، دو فرآیند باید دوش به دوش یکدیگر حرکت کنند: فرآیند پرداختن انسان به ساختن محتوای درونی، دل، اندیشه، اراده و آرزوهای خود [از یک سو] و فرآیند پرداختن او به ساختن محتوای بیرونی یا روینا [از سوی دیگر]. پس باید این دو بنای درونی و بیرونی در کنار یکدیگر حرکت کنند و نمی‌توان بنای بیرونی را جدا از بنای درونی فرض کرد؛ وگرنه این بنای بیرونی، بنایی خواهد بود لرزان و در حال فرو ریختن (صدر، بی‌تا: ص ۱۱۷).

البته دو عنصر دیگر بر این درونمایه انسان تأثیر دارد:

۱. غریزه و خواسته‌هایی که خداوند آنها را در اندرون انسان به ودیعت نهاده و نیز شهوت‌هایی که خداوند آنها را در نظر انسان، در این دنیا آراسته است و این شهوت‌ها بر نگرش او به اشیاء و نیز بر فعالیت و توانمندی و ناتوانی اراده او اثر ویژه‌ای دارد. قرآن از این عنصر به عنوان «هوس» یاد می‌کند.
۲. فشارهای بیرونی که انسان در معرض آن قرار می‌گیرد. به ویژه از سوی ستمگران و مستکبران، یا بدعت‌گذاران گمراه‌کننده و یا شیاطین جنی و انسی که انسان را در نگرش خود به اشیاء فریب می‌دهند و گمراهش می‌سازند. هرچند انسان در بیشتر این موارد، اراده خویش را از دست نمی‌دهد؛ لیکن این اراده تا اندازه بسیار از این عوامل اثر می‌پذیرد که باید آنها را بر شمرد و مورد شناسایی قرار داد (حکیم، ۱۳۸۷: ص ۲۴۱).

## ۲-۲. تغییر و آینده‌سازی با اراده‌های انسانی

در قلمرو تاریخ و اجتماع، تلفیق اندیشه و اراده است که آینده ساز آدمی است و اساس جنبش تاریخی او را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، زیربنا محتوای درونی آدمی و مجموعه پیوندهای اجتماعی و نظامات زندگانی و تشکیلات بشری روبناست.

قرآن می‌فرماید: «در حقیقت خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال [درونی] خود را تغییر دهند» (رعد، ۱۱). ظواهر، شئون و احوال یک قوم وقتی تغییر خواهد کرد که وضع نفسانی آنها تغییر کند. قطعاً تغییر حال روانی یک یا چند تن از افراد جامعه‌ای، تمام یک قوم را به جنبش و حرکت وا نمی‌دارد؛ بلکه حالت نفسانی همه افراد یک جامعه باید زیر و رو شود تا سرنوشت عمومی آنها عوض گردد.

آیه یاد شده به روشنی نشان می‌دهد که درون مایه انسان، پایه روبنا (وضعیت محیط بیرونی انسان) و حرکت تاریخی است؛ چرا که آیه درباره دو تغییر سخن گفته است:

۱. تغییر قوم (خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد): مقصود تغییر اوضاع قوم، امور و روبنا و اوضاع بیرونی آنان است و این تغییر، تنها در صورتی انجام می‌شود که تغییر دیگری انجام شود.

۲. تغییر دیگر، تغییر حال درونی قوم است (تا آنان حال خود را تغییر دهند)؛ چرا که قرآن کریم، از تغییر درونمایه قوم، به تغییر حالت درونی آنان تعبیر کرده است. روشن است که مقصود از «مَا بَأْتُسِيهِمْ» تغییر چیزی است که در درون و دل‌های قوم است؛ به گونه‌ای که درونمایه قوم به عنوان یک قوم یا یک ملت متغیر باشد؛ وگرنه تغییر یک یا دو و یا سه نفر نمی‌تواند پایه تغییر همگانی قوم را تشکیل دهد. بنابراین درونمایه امت به عنوان یک امت است که اساس و پایه دگرگونی‌ها در روبنا و حرکت تاریخی به شمار می‌رود.

### ۲-۳. قانون‌مندی دگرگونی‌ها و تحولات بشری

برخی از آیات قرآنی اشاره می‌کند که میان دگرگونی‌هایی گسترده‌تر و این درون مایه انسان رابطه وجود دارد؛ یعنی، دگرگونی‌های جهانی که انسان را احاطه کرده است. آیات یاد شده این رابطه را به عنوان یکی از سنت‌ها و قواعد تاریخی

می‌داند؛ به گونه‌ای که این دگرگونی در درون مایه انسان بر دگرگونی در محیط او نیز اثر می‌گذارد.

خداوند متعال می‌فرماید: «اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، به طور قطع برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردهان [گریبان] آنان را گرفتیم» (اعراف، ۹۶). این آیه قرآن کریم، میان ایمان و تقوا که از امور قلبی است و در درون انسان وجود دارد و تغییری که در کل اوضاع این مردم پیش می‌آید، ارتباط برقرار کرده است؛ خواه این تغییر به سمت خوبی و نیکی در زندگی اجتماعی انسان و زندگی جهان پیرامون او باشد و خواه به سمت بدی و تباهی (حکیم، بی‌تا: ص ۴۲۴ و ۲۴۳). در واقع همان گونه که ایمان و تقوا بر دگرگونی جامعه اثر مثبت دارد، بر دگرگونی جهان هستی و طبیعتی که انسان را احاطه کرده نیز اثر می‌گذارد. همچنین دروغ‌گویی، تبه‌کاری، نداشتن تقوا و ارتکاب گناهان بر جهان هستی و طبیعت اثر منفی می‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۲۲، ص ۱۹۷ و ۱۹۸). قرآن می‌فرماید: «به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورد، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند، به آنان بچشانند، باشد که بازگردند» (روم، ۴۱). یعنی، گناهانی که مردم می‌کنند و کارهای زشتی که انجام می‌دهند، در ایجاد فساد در خشکی و دریا اثر می‌گذارند و در نتیجه عواقب شومی گریبان‌گیر آنها می‌شود. شبیه مفاد آیات یاد شده، در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم با ذکر نمونه‌ای تاریخی، بیان شده است: «[حکم خدا] این است که خداوند نعمتی که به قومی عطا کرد، تغییر نمی‌دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند که خدا شنوا و داناست. همان‌طور که خوی فرعونیان و پیش از آنان بر این شده که آیات خدای خود را تکذیب کردند و ما هم آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم و فرعونیان را در دریا غرق کردیم و همه آنان که هلاک کردیم، ستمکار بودند» (انفال، ۵۳-۵۴).

## ۲-۴. زمینه‌سازی مثبت یا منفی

ایجاد هر نوع تغییری در احوال جوامع و امت‌ها، بستگی به تغییری دارد که مردم آن جوامع در احوال فردی خویش به وجود می‌آورند؛ یعنی، زمینه ایجاد سعادت و شقاوت، نعمت و نعمت، نجات و هلاکت جوامع مختلف، به دست آن مردم است. این زمینه‌ها و بسترها، می‌تواند مثبت باشد یا منفی. در واقع رفتارهای ارزش‌گرا یا ناهنجار انسان‌ها به هر نحوی در شکل‌گیری آینده تأثیر می‌گذارد و آثار و عواقب آن به خود آنان بر می‌گردد. این نوع زمینه‌سازی هم می‌تواند مستقیم باشد هم غیر مستقیم؛ هم ارادی باشد هم ناخواسته؛ هم درونی باشد هم بیرونی؛ هم سیاسی باشد، هم اجتماعی؛ هم گسترده باشد، هم محدود و... علامه طباطبایی می‌نویسد:

آیه ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...﴾ به ظاهر لفظش عام است و مخصوص به یک زمان و یا به یک مکان و یا واقعه نیست و در نتیجه مراد از «بر و بحر» همان معنای معروف است که شامل همه روی زمین می‌شود و مراد به فساد در زمین، مصایب و بلاهای عمومی است که یکی از منطقه‌ها را فراگرفته، مردم را نابود می‌کند؛ چون زلزله و نیامدن باران، قحطی، مرض‌های مسری، جنگ‌ها، غارت‌ها و سلب امنیت. سخن کوتاه [اینکه] هر بلایی که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را به هم می‌زند چه اینکه مستند به اختیار بعضی از مردم باشد و یا نباشد؛ چون همه آنها، فساد است که در تری و خشکی عالم پدید می‌آید و خوشی و طیب عیش انسان‌ها را از بین می‌برد. ﴿بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾؛ یعنی، این فساد ظاهر در زمین به سبب اعمال مردم است؛ به خاطر شرکی است که می‌ورزند و گناهانی است که می‌کنند (طباطبایی، همان: ج ۳۱، ص ۳۱۲ و ۳۱۳).

با توجه به چند آیه ذکر شده، به خوبی اثبات می‌شود که آینده انسان‌ها، به دست خود آنان رقم می‌خورد و رویدادها و حوادث، چیزی جز بازتاب و نتیجه رفتارها، اراده‌ها و آرمان‌های آنان نیست.



### سه. انقلاب، چرایی و زمینه‌های آن

«انقلاب» واقعیتی است که همواره مورد توجه تاریخ‌دانان، دانشمندان علوم اجتماعی و متفکران سیاسی بوده است. نخستین بار ارسطو «سرچشمه‌ها و منابع حقیقی انقلاب» را مورد مذاقه قرار داده است و طی قرون متمادی، اندیشمندان زیادی، سؤالات بیشماری را در باب «چرایی» و «چگونگی» انقلاب مطرح نموده و به تشریح کم و کیف آن پرداخته‌اند؛ لیکن دیدگاه‌ها به گونه چشمگیری از یکدیگر متفاوت بوده و در نهایت، جمع بندی همه جانبه و واحدی از سرچشمه‌ها و عوامل «انقلاب» را به دست نداده‌اند.

به طور کلی هیچ انقلابی فی نفسه یک کلیت مستقل را تشکیل نمی‌دهد؛ بلکه انقلاب در متن رویدادها و مؤلفه‌ها و تعاملی آنها است که تکوین یافته و شکل می‌گیرد. به دیگر سخن انقلاب، بخشی از یک مجموعه عظیم‌تر و گسترده‌تر می‌باشد و وجود انقلاب منوط به وجود آن مجموعه است. انقلاب‌ها اگرچه با اهداف و انگیزه‌های گوناگونی شکل می‌گیرند؛ لیکن تمامی آنها یک سری مشخصه‌های ثابت و مشخص دارند که عبارت‌اند از:

۱. نارضایتی از وضع موجود؛
  ۲. ایجاد ایدئولوژی‌های جایگزین؛
  ۳. روحیه انقلابی؛
  ۴. مشارکت عموم اقشار جامعه در روند انقلاب؛
  ۵. رهبری؛
  ۶. خشونت؛
  ۷. تغییر ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه.
- اریک هافر معتقد است:

اگرچه معمولاً این تصور وجود دارد که انقلاب‌ها برای ایجاد تغییرات شدید در جامعه بروز می‌کنند؛ اما در واقع این گونه تحولات هستند که زمینه ساز بروز انقلاب می‌شوند. به گفته وی فضای انقلابی، حاصل مشکلات، تمایلات

و سرخوردگی‌هایی است که در زمان دستیابی به تحولات رادیکال ایجاد می‌شود (جانسون، ۱۳۶۳: ص ۴۶).

تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه و واقعیت‌های محیطی آن با هم سازگار باشند، جامعه از انقلاب مصون است و زمانی که جامعه در حالت تعادل قرار دارد، به طور مرتب تأثیراتی از اعضای خود و از خارج می‌پذیرد و مجموعه این دو، جامعه را به هماهنگ ساختن نحوه تقسیم کار با ارزش‌های خود وادار می‌سازد. بنابراین تعارض موجود میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی، منبع اصلی بروز تعارضات انقلابی است.

### ۳-۱. اعتراض، زمینه‌ساز انقلاب‌ها

مهم‌ترین عاملی که بروز شرایط انقلابی را تشدید می‌کند و تحولات سیاسی - اجتماعی را اجتناب ناپذیر می‌نماید، تضاد میان ارزش‌های مسلط بر سیستم سیاسی و ارزش‌های حاکم بر گروه‌های اجتماعی است که منجر به اعتراض و ناخشنودی می‌شود. این چیزی است که ویلبر مور، فاصله میان ایده آل‌های جامعه و واقعیات موجود می‌داند؛ زیرا ارزش‌های اجتماعی، در حقیقت همان انگیزه‌های آگاهانه و مشترک افراد یک جامعه است که نخستین شرط ضروری دوام و استواری جامعه می‌باشد. ارزش‌های مشترک شامل مسائلی است، از قبیل: عقاید مذهبی و اجتماعی، نظام‌های اخلاقی، آداب و سنن ملی، ایده‌آل‌ها و بسیاری از اعتقادات دیگر (محمدی، ۱۳۸۰: ص ۳۷).

اساساً شکل‌گیری پدیده انقلاب بر محور «اعتراض» است. البته انقلاب‌ها بسی فراتر از اعتراض صرف هستند؛ ولی تکوین انقلاب، در اثر انباشت اعتراض‌ها، نسبت به موضوعات خاصی است که در نهایت ماهیت آن را شکل خواهند داد. اعتراض زمانی صورت می‌گیرد که همچون «حقی» مورد پذیرش قرار گیرد... هسته حرکت‌های «اعتراضی» منتهی به انقلاب را می‌توان «آگاهی از وضع موجود» و «بیداری در خصوص مسائل آن»، به همراه «آرزومندی نسبت به

وضعی دیگر» دانست. البته آرزومندی توأم با برنامه‌ریزی، عمل و حرکت است که ناشی از خویشتن باوری در خصوص توانایی ایجاد تغییرات لازم می‌باشد. اوج گرفتن اعتراض و رخ دادن انقلاب در صورت وجود شرایط ذهنی و عینی آن، کاملاً پدیده‌ای محتمل و امکان پذیر است و چنین نیست که انقلاب‌ها را مختص برخی نظام‌ها و جوامع قلمداد کنیم.

### ۲-۳. عوامل شکل‌گیری انقلاب

علل و عوامل بروز یک انقلاب را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف. علل و عوامل بشری (عادی و طبیعی)

ب. علل و عوامل فوق بشری (غیر عادی)

شناخت این مؤلفه‌ها، ما را در جهت رسیدن به یک نگاه جامع و کامل در مورد «زمینه‌سازی انقلاب‌ها» یاری می‌رساند.

#### الف. علل و عوامل بشری

بدون شک انسان علت اساسی انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی است و با اختیار و اراده خود، خواهان براندازی نظم موجود غیر مطلوب و پدید آوردن نظم مطلوب غیر موجود می‌شود و به این منظور دست به انقلاب می‌زند. سایر علت‌های اجتماعی و محیطی زمینه را برای فعالیت فراهم کرده و از کانال اراده و اختیار، انسان‌ها غیر مستقیم تأثیر خود را بر تحولات اجتماعی می‌گذارند. علل انسانی، خود بر دو دسته علل فردی و علل اجتماعی تقسیم می‌شوند. نقش رهبری در انقلاب، از مهم‌ترین علل فردی انقلاب است. جامعه نیز، میدان و بستر اصلی انقلاب است. عدم همخوانی و هماهنگی بین ارکان جامعه (فرهنگ، اقتصاد و حکومت) منجر به اعتراض شده و در نتیجه زمینه‌سازی دگرگونی می‌شود.

#### ب. علل و عوامل فوق بشری

ما علاوه بر پذیرش نقش عوامل انسانی معتقدیم که خداوند از طرق دیگری نیز در

تغییرات و تحولات اجتماعی، تأثیر می‌گذارد. خداوند با اراده تکوینی خود، کل هستی را خلق کرده و بر مدار معینی و با قانونمندی خاصی در بستر زمان، آن را به جلو می‌برد. انسان هم یکی از مخلوقات او است؛ البته با شرایط و تکالیف ویژه... بر اساس آیات قرآنی، خداوند نجات دادن مؤمنان را بر خود فرض می‌داند و امدادهای غیبی خود را بر آنان می‌فرستد: ﴿... إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران، ۱۶۰) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد، ۹).

### ۳-۳. ضرورت یک انقلاب جهانی

نظامات ناقص بشری، اموری را بر انسان تحمیل می‌کند که در آن، باطل با آشکارترین چهره خود نمودار می‌شود. همچنین این نظام با اصل «جانشینی انسان از سوی خدا» و با هدف تشکیل جامعه حق و عدالتی که این جامعه را جامعه جانشین الهی می‌سازد، سازگاری ندارد و نیز، با نظام پرستش و تسبیح گویی جهان هستی برای خدا همخوانی ندارد.

از اینجا ضرورت بازگشت این جامعه به موقعیت طبیعی و به یکپارچگی مورد نظر؛ یعنی، به جامعه حق و عدالت و اصول فطری آن نمایان می‌شود؛ اصولی که خداوند این جامعه را بر آن سرشته است و اصولی که آن را جامعه جانشین الهی و جامعه یکپارچه مورد نظر می‌سازد. این یکپارچگی تنها از طریق عوامل فطری امکان پذیر نیست؛ بلکه باید یک انقلاب رادیکال در این جامعه رخ دهد که مستضعفان بلند همت در آن پیروز گردند؛ یعنی، آنان که با کلیت این اوضاع جدید و منحرف، مخالفت کردند و علیه مستکبران به پا خاستند و فریاد زدند... پس انقلاب یک عامل اساسی در تغییر و دگرگونی اوضاع است؛ ولی خود این پدیده تأثیر گذار و بنیادین، براساس عوامل و عللی شکل می‌گیرد که پاره‌ای از آنها، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری انقلاب هستند. پس برای ایجاد یک انقلاب فراگیر جهانی، باید به فکر ایجاد بسترها و عوامل بنیادین و فراگیر آنها بود.

### ۳-۴. آگاهی بخشی زمینه‌سازی انقلاب جهانی

نکته مهم در زمینه‌سازی انقلاب‌ها آگاهی بخشی عمومی است. از بدیهی‌ترین ویژگی‌ها و زمینه‌های انقلاب، وجود پیوسته «آگاهی» است. وجود آگاهی به مفهوم ادراک و تحلیل آن، پی‌ریزی «حرکت‌های مداومی» را فراهم می‌آورد که به تدریج با مراحل، انقلاب را به وجود می‌آورند. «آگاهی» سبب به وجود آمدن قدرت پرسش‌گری و مقایسه می‌شود. محمدتقی جعفری از «نعمت عظمای چون و چرا» سخن به میان آورده که با استفاده از آن می‌توان انقلاب را بیانگر آگاهی به وضع موجود دانست. البته این وضعیت، مناسب و مطلوب نیست و باید تغییر کند؛ اما به دلایلی غیر قابل قبول، همچنان پا بر جا مانده است. در چنین وضعی «آگاهی» با «قیام» پیوند می‌یابد و برای به وجود آوردن تغییرات مورد نظر، چاره‌ای جز برخورد و خیزش باقی نمی‌ماند.

در این راستا «آموزش انتقادی به عنوان جوهر آگاهی انقلابی»، مورد توجه قرار می‌گیرد. ریشه آگاهی و افزایش قدرت مقایسه، به همراه آموزش‌های انتقادی، قدرت حرکت به جلو، اعتماد به نفس و نیاز به تغییرات بنیادی را به وجود می‌آورد (عیوضی، ۱۳۸۷: ص ۵۲). این خودآگاهی جمعی، موتور محرک انقلاب‌ها و مهم‌ترین بستر شکل‌گیری یک نظام کامل و جامع است. از این رو است که برخی از صاحب‌نظران معتقدند: تا نوع بشر به حد کمال و رشد نرسد و برای پذیرفتن حکومت حق، آماده نگردد، مهدی موعود ظاهر نخواهد شد. البته رشد فکری یک حادثه آنی نیست؛ بلکه در طول ایام و به واسطه پیشامدهای روزگار پیدا می‌شود و رو به کمال می‌رود... باید دانشمندان برای اصلاحات عمومی و سعادت و آسایش انسان‌ها، آن قدر قانون تدوین کنند و تبصره به آنها بزنند و بعد از مدتی آنها را لغو کنند و قوانین تازه تری را به جای آنها بگذارند تا خسته شوند و جهانیان به نقصان و سستی قوانین بشر و افکار کوتاه قانون‌گذاران پی ببرند و از اصلاحاتی که به وسیله آن قوانین می‌خواهد انجام بگیرد، مأیوس شوند و بدین

مطلب اعتراف کنند که یگانه طریق اصلاح بشر، پیروی از پیامبران و اجرای قوانین الهی است. بشر هنوز حاضر نیست در مقابل برنامه‌های خدا تسلیم شود... (امینی، ۱۳۸۵: ص ۳۴۴ و ۳۴۵). در واقع باید آن قدر حکومت‌های رنگارنگ در جهان تأسیس شود و مرام‌ها و احزاب فریبنده به وجود آید و بی‌لیاقتی آنها ثابت شود تا بشر از اصلاحات آنها مأیوس گردد و تشنه اصلاحات خدایی شود و برای پذیرفتن حکومت توحید آماده گردد.

هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند، صاحب الامر قیام نمی‌کند. برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد، کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می‌رسیدیم با عدالت رفتار می‌کردیم» (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۴۴). امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «دولت ما آخرین دولت‌ها است. هر خاندانی که بتوانند حکومت داشته باشند، قبل از ما به حکومت می‌رسند تا وقتی که حکومت ما تأسیس شد و رفتار آنها را دیدند؛ نگویند ما هم اگر به حکومت می‌رسیدیم، مانند آل محمد عمل می‌کردیم» (همان: ص ۳۳۲).

به هر حال برای شکل‌گیری یک انقلاب واقعی و راستین - به خصوص انقلاب مهدوی - باید شناخت‌ها و آگاهی‌های زیر شکل بگیرد:

۱. شناخت و آگاهی از پایه و زیربنای انقلاب مهدوی (پایه بشری و پایه دینی) از سوی مستضعفان و انتخاب پایه دینی (ظلم ستیزی، حق‌گرایی و...) برای مبارزه علیه مستکبران.

۲. آماده‌سازی و تربیت درست حق‌طلبان و انقلابیون؛ تا آنان با اراده و خواست خود، این پایه درست (پایه دینی) را بپذیرند و به خاطر آن جهاد کنند و نیز خود را از هرگونه احساس بهره‌کشی، انتقام‌جویی و عشق به زندگی دنیوی و مادی پاک سازند.

۳. آگاهی و شناخت درست از اصولی که جامعه موعود بر آن استوار است (مثل

عدالت، امنیت، کمال‌گرایی و ...؛ اینها اموری است که در روند دگرگونی، باید از آن پیروی کرد... این مؤمنان و صالحان پس از کسب آمادگی و آگاهی با عنایت الهی، در خدمت انقلاب جهانی مهدوی قرار می‌گیرند و هم پای فرشتگان الهی به یاری ایشان می‌شتابند. امام صادق علیه السلام در توضیح آیه شریفه ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ می‌فرماید: «این (ظهور)، امر ما و امر خداوند است که در آن نباید شتاب ورزید. سه لشکر به صاحب این امر یاری می‌رسانند: فرشتگان و مؤمنان و رعب (ترس). و خروج ایشان همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله است و آن عبارت است از فرمایش خدای متعال «همان‌گونه که پروردگارت تو را به حق از خانه ات خارج ساخت» (همان: ص ۱۳۹). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «چون عذاب بنی اسرائیل طولانی شد، چهل شبانه روز به درگاه الهی ناله سردادند. آن‌گاه خداوند به موسی و هارون وحی فرمود تا بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد... پس امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شما نیز چنین می‌کردید، خداوند برای ما گشایش حاصل می‌فرمود. اگر چنین نکنید، این امر (ظهور) تا منتهای خود ادامه خواهد یافت» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۵۴).

#### چهار. زمینه سازی انقلاب جهانی مهدوی

انقلاب جهانی مهدوی، دارای پیش‌زمینه‌ها، عوامل و بسترهای مختلفی است که از منظر سیاسی و فرهنگی می‌توانیم آن‌ها را تبیین و بررسی کنیم:

#### ۴ - ۱. عامل انسانی انقلاب جهانی

یکی از شرایط و زمینه‌های ظهور و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام وجود شماری کافی از انسان‌های حق‌طلب است که آن پیشوا را در اجرای مطلوب مأموریتش یاری دهند. در واقع مهم‌ترین عامل بشری در ایجاد انقلاب، نیروهای انقلابی است که باید برای شکل‌گیری و آماده‌سازی آن‌ها کوشید. این شرط دارای دو بُعد است:

۱. تربیت امت اسلام در ساحت فکر و اندیشه برای آن که شایستگی فراگیری، فهم و اجرای قوانین جدیدی را که پس از ظهور اعلان می‌شود، پیدا نمایند.

۲. تربیت شماری کافی از افراد مخلص و کامل که برای پیاده نمودن برنامه عدالت محور و کامل الهی، آماده فداکاری باشند.

آن دو امر به تدریج و در دراز مدت تحت شرایطی، پیش از ظهور به وقوع می‌پیوندد. به عبارت دیگر با تحقق این دو امر، روز موعود هم با تمام شرایطش پدیدار خواهد شد (صدر، همان: ص ۵۳ و ۵۴).

عنصر اراده و اختیار، در عصر ظهور حضور کامل دارد و نهضت الهی صالحان، با نصرت و یاری انسان‌های مجاهد و ایثارگر تحقق می‌پذیرد. پس نقش نیروهای مردمی در تحقق یافتن حکومت امام مهدی علیه السلام، باید همیشه مورد توجه باشد تا آمادگی‌های لازم را فراهم آورد.

از آنجا که در انقلاب، خواست تغییرات بنیادی مطرح است؛ به ناچار پیش از آن، تحولاتی آغاز شده و پیروی از انقلاب، نقطه عطفی محسوب می‌گردد که هم زمان افراد جامعه و کلیت نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد و متحول می‌سازد. از این رو حضور مردمی بر اساس عمق تحول، در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه، متفاوت و متغیر است. انقلاب جهانی مهدوی نیز، در راستای این تحولات و مقدمات شکل گرفته و با یاری و نصرت مؤمنان و صالحان تقویت و تأیید می‌شود؛ چنان‌که شیخ طوسی می‌گوید:

اجمالاً می‌توان گفت که بر خدای متعال واجب است که امام علیه السلام را تقویت کند تا آن حد که قدرت بر قیام و بسط ید کافی برای انجام آن پیدا کند. این تقویت الهی هم از طریق فرشتگان امکان پذیر است و هم توسط بشر. و ما از آنجا که خداوند به وسیله فرشتگان این کار را نکرده، می‌فهمیم که علت، مفسده داشتن آن بوده است. بنابراین باید تقویت امام توسط بشر انجام شود (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۹۲).



شیخ مفید نیز می‌گوید:

اگر شیعیان در یک زمان به تعداد اهل بدر جمع شوند، در این صورت تقیه بر امام زمان علیه السلام جایز نیست و ظهور بر ایشان واجب است. اما در این زمان چنین جماعتی نیستند؛ زیرا صفات و شروط مذکور را ندارند. آن جماعت باید شجاع و صبور باشند و با خلوص نیت در جهاد شرکت کنند، کسانی باشند که آخرت را بر دنیا برگزینند و باطنشان از عیوب پاک باشد و... اگر خداوند متعال از چنین افرادی با صفات مذکور سراغ داشت، حتماً امام زمان علیه السلام را ظاهر می‌کرد و امام از بین شیعیان، لحظه‌ای غایب نمی‌شد، لکن شیعیان دارای چنین صفاتی نیستند؛ پس غیبت بر امام زمان علیه السلام جایز است (شیخ مفید، بی تا: ص ۱۲).



#### ۴-۲. عامل فرهنگی و دینی انقلاب جهانی

خداوند در آیات مختلفی از قرآن کریم، وعده داده است که مؤمنان را وارثان زمین گرداند و این وعده از جلوه‌های آشکار پیروزی حق بر باطل است. بشارت و وعده‌ای که خداوند در مورد تشکیل حکومت جهانی عدل در آینده داده است مشروط به وجود و حضور اثرگذار مومنان و صالحان است؛ یعنی فرهنگ ایمان و عمل صالح در جامعه حاکم باشد و وعده‌ای در این مسیر قرار گیرند، تا وعده الهی محقق شود. بر این اساس اهل ایمان و کسانی که دارای عمل صالح و پاکیزه هستند، جانشین گذشتگان خواهند شد. در نهایت زمین از لوث شرک و گناه پاک می‌شود و جامعه‌ای اصلاح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند، در آن زندگی خواهند کرد و زمین در اختیارشان قرار خواهد گرفت و دینشان در زمین متمکن خواهد شد و امنیت را جایگزین ترس می‌داشتند می‌کند. امنیت که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و ناخوشایندیشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزاد عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند (طباطبایی، همان: ج ۲۸، ص ۱۸۵ و ۱۸۶).

یکی از سنت‌های الهی «سنت حاکمیت صالحان» است؛ به این معنا که اگر

جامعه‌ای در خط ایمان، عمل صالح و پاکی قدم گذاشت، خداوند صالحان و پاکان امت را بر آنها حاکم می‌سازد تا ضمن رسیدگی به مسائل دنیوی و اجتماعی، زمینه‌ای برای رشد معنوی و انسانی آنها فراهم شود. پس زمانی عامل انسانی و مردمی می‌تواند مؤثر و فراگیر باشد که فرهنگ ایمان و عمل صالح و خداگرایی، آن را در مسیر درست خود قرار دهد. این سنت یکی از الطاف الهی بر انسان‌هایی است که ایمان توأم با تقوا در وجودشان عجین شده باشد و در مسیر رضای حق، گام بردارند؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «خدا به کسانی از شما بندگان که ایمان آورد و نیکوکار گردید، وعده فرموده که در زمین خلافت دهد و به جای کسانی که پیش از آنان بودند، اقتدار بخشد و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط دهد و به همه مؤمنان پس از خوف از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک، پرستش کنند و بعد از آن، هر کس که کافر شود، به حقیقت همان فاسقان هستند» (نور، ۵۵). همچنین می‌فرماید: «ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد» (انبیاء، ۱۰۵).

طبق این آیات حاکمیت و وراثت زمین از آن مؤمنان صالح و شایسته است و اگر در طول تاریخ، بعضی از زمان‌ها در جامعه اسلامی، حاکمیت از آن صالحان نبوده است، نقص از خود آنان بوده است؛ وگرنه وعده حق، حتمی است و تا تمام شرایط جمع نشود، سنت الهی جاری نمی‌گردد. البته این آیات، به روشنی فرجام و سرنوشت تاریخ بشری را پیروزی ایمان و عمل صالح می‌داند و مؤمنان را به آینده نیک امیدوار می‌سازد.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «زمین از آن خداست؛ و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است» (اعراف، ۱۲۸) و... بر اساس این آیات، خداوند به دو گروه وعده حاکمیت و استخلاف بر روی زمین را می‌دهد:

۱. مؤمنان

۲. صالحان

در واقع، شرط و زمینه رسیدن به حکومت جهانی و تحقق آرمان شهر مهدوی، «آگاهی رشد و خیزش جهانی اهل ایمان و عمل صالح» است. اینان هستند که با قیام و نهضت خود و آگاهی و توانایی، می‌توانند مشمول عنایات و وعده‌های الهی گردند و شایستگی تشکیل حکومت جهانی را به رهبری آخرین حجت حق به دست آورند. و این نیاز به فرهنگ‌سازی و دین‌گرایی دارد. در نتیجه اینان هم وظیفه زمینه‌سازی و آماده‌سازی جهان را بر عهده دارند، هم آگاهی بخشی عمومی و سامان بخشیدن به اعتراضات جهانی علیه ظلم و بی‌عدالتی و فساد؛ یعنی، مقدمات انقلاب جهانی مهدوی را باید فراهم سازند.

#### ۴-۳. عامل نظامی و امنیتی انقلاب جهانی مهدوی

آماده‌سازی دنیا برای انقلاب امام عصر علیه السلام وظیفه‌ای گسترده، سترگ و پیچیده بوده و برای رویارویی با ستمگران و طاغوت‌های مستکبر و سردمداران کفر، بایسته است. ستمگران، یک جبهه سیاسی وسیع را - به رغم تمامی اختلاف‌هایی که در میان‌شان حاکم است - تشکیل می‌دهند! این جبهه اهرم‌های قدرت زیادی در اختیار دارد؛ همچون: ثروت، اقتدار سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، ارتباطات [گسترده] و تشکیلات [پیچیده]، و از این وسایل برای در هم کوبیدن بیداری حق طلبان و نابودی آن بهره می‌برند. از این رو باید عامل انسانی و فرهنگی، با عامل نظامی تقویت و پشتیبانی شود و گروهی که عهده‌دار آماده‌سازی جهان برای ظهور امام عصر علیه السلام بوده؛ به ناچار در رویارویی با این نیروها، باید از همان تشکیلات جبهه استکبار جهانی برخوردار باشند و حتی با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرند.

آماده‌سازی برای قیام امام عصر علیه السلام - که زمینه سازان تدارک می‌بینند - دارای

دو جنبه خواهد بود:

۱. رشد ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی (این همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است).

۲. [ایجاد] تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد (آصفی، ۱۳۸۵: ص ۴۱).

بی‌گمان گروه مبارز و حق‌طلبی که جهان را برای ظهور امام عصر علیه السلام مهیا می‌سازند؛ باید تشکیلات منسجم و امکانات نظامی را فراهم کنند و خود را برای روز موعود آماده سازند. اینان زمینه سازان انقلاب جهانی مهدوی و پرچم داران نهضت حق و عدالت‌اند. اینان هستند که زمینه‌ها و بسترهای نظامی و امنیتی شکل‌گیری حکومت جهانی را با یک تشکیلات منسجم و قوی فراهم می‌سازند و به بسیج توده‌های عمومی می‌پردازند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مردانی از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت مهدی فراهم می‌سازند» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۴۷۷). از امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز نقل شده است: «پرچمی از خراسان (ایران)، بیرون می‌آید. [حاملان این پرچم] اصحاب سفیانی را شکست می‌دهند تا اینکه به بیت المقدس می‌رسد و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند» (ابن حماد، ۱۴۲۴: ص ۷۲). کلمه «ناس» و «یوطئون» و «رایه» نشان دهنده این است که خیزش‌های صورت گرفته بی‌حساب و کتاب نیست؛ بلکه نظام‌مند و یکپارچه بوده و از یک تشکیلات قوی و آمادگی نظامی و عملیاتی برخوردار است.

در احادیث ائمه طاهرين علیهم السلام، به صراحت ذکر شده است که مهدی علیه السلام، به هنگام ظهور از مردم کمک و یاری می‌طلبد و این بدان سبب است که هم مردمان را به راه سعادت و حق ببرد و به فیض فداکاری در راه استوار ساختن حق و عدالت نائل بسازد و هم حرکت انسانی و قیام جهانی خویش را تا جایی که ممکن است، با دست خود مردم به ثمر برساند. در حدیثی آمده است:

«مهدی علیه السلام از مردم یاری می‌طلبد. یکی از یاران خود را می‌خواهد، به او

می‌فرماید: به نزد مردم مکه برو و بگو: ای مکیان! من فرستاده مهدی ام. مهدی می‌گوید: ما خاندان رحمتیم، ما مرکز رسالت و خلافتیم. ما ذریه محمد و سلاله پیامبرانیم. مردمان به ما ستم کردند و بر ما جفا روا داشتند و از هنگام درگذشت پیامبر - تا امروز - حق ما را از ما به ناروا ستاند. اکنون من از شما یاری می‌طلبم، به یاری من بشتابید...» (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۰۷).

و نیز: «ای مردمان! ما از خدا یاری می‌طلبیم و از هر کس از مردم که دعوت ما را بپذیرد و در صف یاران ما در آید (یا ایها الناس! انا نستنصر الله و من اجابنا من الناس)» (همان: ص ۲۳۸).

بشیر نبال می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «می‌گویند: همانا مهدی وقتی ظهور کند، کارها برایش خود به خود انجام می‌شود و به اندازه خون حجامت نیز خون نمی‌ریزد». امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

نه چنین نیست: قسم به آن‌که جانم در آید قدرت او است: اگر قرار بود [کارها] برای کسی خود به خود انجام شود، قطعاً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام می‌شد؛ آن زمانی که دندان حضرتش خون آلود گشت و صورت ایشان شکافته شد. نه چنین نیست، قسم به آن‌که جانم در دست او است! [کارها برای امام زمان انجام نمی‌شود] تا اینکه ما و شما عرق را همراه با لخته‌های خون [از پیشانی خود] پاک کنیم - سپس حضرت دست به پیشانی خود کشیدند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵، ۲).

هم‌چنین ابو‌خالد کابلی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

گویی می‌نگرم مردمی را که از مشرق (خراسان) در طلب حق قیام می‌کنند و به آنها پاسخی داده نمی‌شود. پس از مدتی باز قیام می‌کنند و به آنان پاسخی داده نمی‌شود. چون وضع را چنین می‌بینند، به پیکار و مبارزه خونین بر می‌خیزند. در این باره آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند؛ اما نمی‌پذیرند و دست به شورش می‌زنند. اینان حکومتی را که به دست می‌آورند، تسلیم مهدی علیه السلام می‌کنند. کشتگان این قیام همه شهید محسوب می‌شوند. اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی نگاه می‌دارم [و آماده می‌کنم]. اینان قیام‌کنندگان از مشرق و بخصوص ایران خواهند بود که خود را برای یاری انقلاب مهدوی آماده می‌سازند (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۴۳).

#### ۴ - ۴. عامل سیاسی انقلاب جهانی مهدوی

یکی از انگاره‌هایی که، به جد و پیوسته درباره انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام مطرح است، زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی سیاسی برای آن است. در این راستا امام خمینی علیه السلام یک ایده و نظریه کاملی ارائه داده‌اند که در یک عبارت می‌توان آن را چنین بیان کرد: «با تمام امکانات پیش به سوی انقلاب مهدوی». بر اساس این رویکرد، منتظران و شیعیان واقعی امام زمان علیه السلام، نقش و مسئولیت مهم سیاسی - اجتماعی در ظهور و شکل‌گیری حکومت جهان گستر مهدوی دارند و به همین جهت باید با تمام توان و امکانات در بسترسازی و مقدمه‌چینی آن بکوشند.

زمینه‌سازی؛ آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود حضرت مهدی علیه السلام است که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلیعه مبارکی برای این امر باشد.

امام خمینی علیه السلام می‌فرمود: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۲۱، ص ۳۲۷). و «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد» (همان: ج ۱۶، ص ۱۳۱).

احادیث فراوانی، چون روایت امام علی علیه السلام (ثم تخرج رایة من خراسان یهزمون اصحاب السفیانی حتی ینزل بیت المقدس توطیء للمهدی سلطانه) (کورانی، ۱۳۷۹: ص ۲۳۲)، به روشنی وظیفه زمینه‌سازان را برای شکل‌گیری حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام بیان می‌کند و معنای صحیح انتظار را آشکار می‌سازد. امام خمینی در این باره می‌گوید: «ما همه انتظار فرج داریم... انتظار فرج، انتظار

قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود» (همان: ص ۲۵۵).

راه کارها و شرایط و زمینه سازی سیاسی برای شکل گیری حکومت جهانی عبارت است از:

#### الف. ایجاد تحول جهانی

یکی از بسترهای مناسب برای رسیدن به جامعه موعود، ایجاد دگرگونی‌ها و تحولات فکری، اعتقادی و ایمانی در همه مردم جهان است. در این رابطه امام خمینی می‌فرماید:

امید است وعده الهی «اراده منت بر مستضعفان»، به زودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی هرچه سریع‌تر از آستین ملت‌های مظلوم بیرون آید و تحول الهی‌ای که در ملت ایران به وجود آمده است، در همه ملل و نحل، به خواست خداوند تعالی تحقق یابد که دست ستمکاران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود و مظلومان به حقوق از دست رفته خود دست یابند (امام خمینی، همان: ج ۱۷، ص ۳۱۸).

این تحول و دگرگونی جهانی، جرقه و بارقه‌ای الهی است که از انقلاب اسلامی ایران ناشی شده است: «امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود» (همان: ج ۱۵، ص ۶۲).

#### ب. تشکیل دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل

طرح تشکیل دولت اسلامی با حضور همه کشورهای مسلمان، امری مهم و تأثیرگذار است؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سر سپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار را - که دسترنج شما را به

دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند - از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت‌گزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش بروید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است» (همان: ج ۲۱، ص ۴۴۸).

بر اساس این مدل و الگو، تلاش جهت جمع بین دولت‌های اسلامی و دولت بزرگ اسلامی، زمینه‌ای برای رسیدن به حاکمیت مستضعفان و صالحان بر روی زمین است. دولت بزرگ اسلامی - که نماینده اقتداری واحد است - در جهان اسلام تشکیل می‌شود و جمهوری‌های آزاد و مستقل، زیر پرچم اسلام و اقتداری واحد شکل می‌گیرند. این رویکرد منجر به تحقق وعده الهی مبنی بر وراثت صالحان و مستضعفان می‌شود.

### ۳. حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

یکی از ابعاد مهم زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی، محافظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و تلاش در جهت تداوم آن تا عصر ظهور است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید:

من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام، ناگسستگی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیل‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان... (همان: ج ۲، ص ۱۱۲).

من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی باشد. این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی - ان شاء الله - بیاید و ما، شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم (همان: ج ۱۵، ص ۲۳۰).



#### ۴. خیزش و یکپارچگی مسلمانان و مستضعفان

وحدت، یکپارچگی و خیزش جوامع اسلامی و ملت‌های مستضعف می‌تواند، یکی از زمینه‌ها و مقدمات مناسبی برای شکل‌گیری انقلاب جهانی باشد. استراتژی «وحدت امت اسلامی» و «نزدیکی جوامع ستمدیده و مستضعف» از ایده‌های بنیادین امام خمینی است که هم باعث تقویت و توانمند شدن آنان می‌گردد و هم زمینه ساز و مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی امام مهدی عج (همان: ج ۱۸، ص ۴۶۲). بدون اتحاد و یکپارچگی حق طلبان، خدا باوران و بی‌بهرگان از قدرت (مستضعفان)، حرکت به سمت جامعه موعود الهی، به‌کندی پیش خواهد رفت و دست قدرتمندان و مستکبران برای استضعاف و بهره‌کشی از دیگران بازتر خواهد بود.

#### ۵. صدور انقلاب اسلامی

تبیین، ترویج و تبلیغ ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی ایران و در واقع صدور آن به همه جای عالم تنها به منزله تثبیت و طرح ارزش‌های انقلابی نیست؛ بلکه ایجاد زمینه و بستری مناسب و جهانی برای شکل‌گیری انقلاب مهدوی است. امام خمینی ره در این باره می‌گوید:

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود» (همان: ج ۱۵، ص ۶۲).

... ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان - که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است - به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداء - هموار می‌کنیم... خداوندا!... انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما (همان: ج ۲۰، ص ۳۴۵-۳۴۷).

## ۶. بالا بردن قدرت اسلام

یکی دیگر از زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام بالا بردن قدرت اسلام و تلاش در جهت تحقق آموزه‌های متعالی آن در سراسر زمین و تثبیت حاکمیت اسلام است. اسلام باید گسترش یابد و زیبایی‌های آن بر همگان آشکار گردد تا مقدمه‌ای شود برای پذیرش عمومی و جهانی انقلاب و حکومت مهدوی. از نظر امام خمینی ره: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (همان: ج ۸، ص ۳۷۴).

## ۷. جهاد و ایثارگری

رسیدن به جامعه آرمانی و موعود، نیاز به کوشش، جهاد و مبارزه فرهنگی، سیاسی، نظامی و... دارد و همه آن‌ها باید از سوی باورداران به منجی موعود و زمینه‌سازان انقلاب جهانی صورت گیرد: «اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر، چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد و آن روزی که - ان شاء الله تعالی - مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فداکاری‌ها، ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند...» (همان: ج ۲۱، ص ۴۴۷).

در این راستا امام خمینی ره امت مسلمان ایران را به جهت جهاد، ایثارگری و فداکاریشان، زمینه سازان ظهور معرفی می‌کند: «سلام بر امت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند...» (همان: ص ۳۲۵).

## ۸. قیام مستضعفان و بی بهرگان از قدرت

یکی از زمینه‌های مهم تشکیل حکومت جهانی مهدوی، قیام و خیزش عمومی مستضعفان، مظلومان و ستمدیدگان است که امام خمینی با فریادی رسا، آنان را به این

امر دعوت می فرمود: «ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند» (همان: ج ۱، ص ۳۷۶).

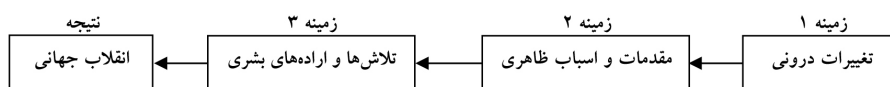
## ۹. تشکیل حزب فراگیر مستضعفان

برای انسجام در صفوف نهضت‌های رهایی‌بخش جهانی و مقابله با استکبار و بیدادگری، باید حزب فراگیر مستضعفان و صالحان شکل بگیرد تا همه نیروها ید واحده‌ای شده و در برابر دشمنان قرار بگیرند. از نظر امام خمینی علیه السلام

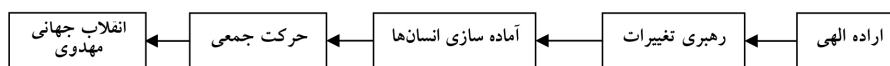
«من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و وراثت ارض برای مستضعفین است - محقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع تری، در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین» که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند...» (همان: ج ۹، ص ۲۸۰ و ۲۸۱).

## نتیجه

رسیدن به «جامعه موعود الهی» و شکل‌گیری انقلاب جهانی مهدوی، مبتنی بر یک سری عوامل، شرایط و زمینه‌ها است که باید آن‌ها را هم در جامعه جست و جو کرد، هم در درون افراد. بر این اساس هم نیاز به آگاهی‌بخشی و آماده‌سازی درونی افراد است و هم فراهم‌سازی مقدمات و امکانات و اسباب ظاهری و مادی و هم شکل‌گیری اراده‌ها و تلاش‌های بیرونی افراد:



البته این نظام اثرگذار، تحت برنامه کلی و مشیت قاهر الهی و یک جامعه مطلوب نهایی قرار دارد.



اگر «زمینه‌ها و مقدمات» یاد شده را از منظر سیاسی - اجتماعی، مورد بازکاوی قرار دهیم، به پدیده بنیادین و فراگیری برمی‌خوریم که تحت عنوان «انقلاب» مطرح است؛ یعنی، یکی از شکل‌های مهم تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی، «انقلاب» است و بر اساس «تئوری‌های مربوطه»، لازمه شکل‌گیری هر انقلابی، یک سری عوامل، مقدمات و زمینه‌ها است که عموماً به دست انقلابیون صورت می‌گیرد. انقلاب جهانی مهدوی نیز یک قیام و خیزش فراگیر و عمومی است که می‌تواند در برگیرنده بسیاری از افراد، گروه‌ها و نهادها باشد؛ یعنی همه این‌ها در شکل‌گیری و موفقیت انقلاب تلاش بکنند و همه امکانات، ابزار و اسباب را در خدمت آن قرار دهند. در واقع وقتی از شرایط و مقدمات انقلاب جهانی مهدوی صحبت می‌کنیم، از چندین مؤلفه بحث می‌کنیم (رهبری، برنامه جامع، گروه‌های انقلابی و مردم).

«انقلاب جهانی امام مهدی»، بر اساس یک سری عوامل و مقدماتی شکل می‌گیرد که بخشی از آن تحت مشیت و اراده قاهر الهی و براساس رویکردهای غیبی و امدادهای فوق بشری صورت بگیرد و بخشی از آن نیز مربوط به جامعه بشری و نقش مؤثر و فعال انسان‌ها - به خصوص گروه‌های حق طلب - است. امید آنکه بتوانیم به وظایف و مسؤولیت‌های خود در رابطه با زمینه سازی این انقلاب شکوهمند عامل باشیم.

## منابع:

۱. آصفی، مهدی، *انتظار یویا*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ ش.
۲. ابن حماد، نعیم، *الملاحم و الفتن*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.
۳. ابن فارس، احمد، *مقاییس اللغة و مصباح اللغة*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. اربلی، علی بن الحسین، *کشف الغمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ش.
۵. امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، قم، شفق، ۱۳۸۵ ش.
۶. بحرانی، هاشم، *البرهان*، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۷. جمعی از نویسندگان، *فصلنامه انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۷.
۸. چالمرز جانسون، *تحول انقلابی (بررسی نظری پدیده انقلاب)*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۹. حکیم، محمد باقر، *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، *کتاب الغیبه*، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الرساله الثالثه فی الغیبه*، بی‌جا، بی‌تا.
۱۲. صدر، سید محمد، *تاریخ پس از ظهور*، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. صدر، محمد باقر، *المدرسه القرآنیه*، همایش امام صدر، بی‌تا، بی‌جا.
۱۴. صدر، محمد باقر، *رهبری بر فراز قرون*، تهران، موعود، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. صدر، محمد، *تاریخ غیبت کبری*، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، *مجمع البیان*، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. عیوضی، محمد رحیم، *انقلاب اسلامی و زمینه‌ها و ریشه‌های آن*، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. فراتی، عبدالوهاب، *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، نشر معارف، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۲۲. کارگر، رحیم، *مهدویت (پس از ظهور)*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. کارگر، رحیم، *فروغ حق (مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی)*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. کورانی، علی، *عصر ظهور*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. محمدی، منوچهر، *انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. موسوی خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار امام، بی‌تا.
۲۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.

